



روز اول ماه می (روز جهانی کارگر) به تمام کارگران جهان و کمونیست های راستین و انقلابی مبارک باد!

فایل سروده «کارگر» که هم اکنون تقدیم خوانندگان می شود، به تاریخ (۲۵-۰۴-۲۰۱۰) فریاد شده بود؛ با تأسف از مدتها بدین طرف در حافظه دومی جدا از کمپیوتر، از نظر دور مانده و از یاد رفته بود؛ با نزدیک شدن روز وحدت آفرین و جهانی کارگر به یکبارگی در ذهنم حضور کرد که سبب سرورم گردید. اینک با ویراستاری جدید برای نخستین بار به دست نشر سپرده می شود.

زنده باد وحدت رزمنده و پر تو افگن کارگران سراسر جهان!

کبیر توخی

(۳۰ اپریل ۲۰۱۴)

روز اول ماه می (روز کارگر) به تمام کارگران جهان و کمونیست های راستین و انقلابی مبارک باد!

کبیر توخی (پ.رتبیل)

(۲۵-۰۴-۲۰۱۰)

**کارگر!**

کارگر، کارگر!

بنگر بر بیداد سرمایه

خیزشی ده به ده، خروشی ده به شهر

هم به بر، و هم به بحر، به سان اکتوبر

\*\*\*

تحرکی ده، به اصناف شهرها

هم به روز مزدان قریه ها،

هم به کسبه کاران دوره گرد  
 هم به روستائیان بی پناه ،  
 هم به کشتگران تهی دست  
 که در هر حال و به هر مجال  
 سرمایه رنگی گیرد و صورتی دیگر  
 و در هر دور تسلسل، بحرانی زاید ،  
 و ز برای رهائی از چنبر آن ،  
 به خود پیچد ، چون ازدهای هزار سر  
 و مزدوران دهن دریده اش  
 ( این تحریف گران تئوری انهدامش  
 چون سگان ولگرد  
 بر منتقدانش ، می جفند و می غرنند )  
 و سرمایه ،  
 از پرتگاهی که به نابودیش کشاند در هر بار  
 خزد به سوی " نجات ... " !!  
 از برای آنکه بار دیگر ، بیابد جانِ دیگر .  
 و ؛ اما ، اینبار  
 در فرجام ، ز نابودیش بیاغزد تکامل  
 تکاملی که انجامش انقلاب است  
 زایش جهان دیگرست ( جهان پر ثمر انسانی )  
 جهانی که نه از ستم ، نه از استثمار ، و نه از استعمار  
 نباشد در آن اثری .

\* \* \*

و توای کارگر !  
 برای بنای چنین جهانی  
 ناشکیبا ، نا آزموده ، نا آشنا ،  
 با شتاب ، تاختی بر دژ سرمایه  
 و کردی « کمون » ی بر پا  
 از پی آن ،

افروختی چراغ پرتو افشان  
و با چشم باز ، آموختی از شکست آن  
و کردی « اکتوبر » ی برپا  
از برای ستردن خونهای که سرمایه ریختانده بود  
در تعارض و مصاف با همزادانش  
درین سو و آنسوی زمین دود اندود  
در جنگ بد فرجام هستی سوز آن سالها  
و آنگهی که از برای بلعیدن جهان  
و نیروی کار انسان ،  
دومین تقابل و مصاف ، پا گرفته بود  
در کشور های این طرف و آن طرف زمین زیبای ما  
و بود انهدام حاکمیت تو  
نخستین آماج نیرو های جنگی اش

\* \* \*

کارگر !  
در آن جنگ بربریت فاشیستی  
خلق کبیرت رخصت اندیشیدن به تو داد  
و تو اجازت تفکر به حزبت  
و حزبت ، سُکان کشتی هستی خلق اش را  
در حلقهٔ مرکزیت ، و در دستهای پر توان رهبرت ؛ نهاد  
و رهبری و رهبرت ،  
بر تارک تَبْحُر " استراتیژیست " های نظامی جهان  
- این جنگ افروزان نظام سرمایه -  
نشانند نگین دانش نجات بشریت از یوغ فاشیسم عریان را ...  
و تو که پیشقراول و مشعلدار بودی در آن نبرد  
و تو که از درسهای « کمون » ،  
و زتهاجم ارتش سرمایه داران جهان بر « اکتوبر »  
با پیروزی بر بلندای تکامل پا گذاشتی  
قلب تپنده و مواج تو که در بدنهٔ جنگ کبیر میهنی

( انتقال بی زیان ماشین  
و کار افراز های سبک و سنگین )  
چون خون ، تسلیحات سرازیر می کرد  
چگونه در زیر آتش لاینقطع دشمن بشریت  
- این ستاد جنگی و تداوم حیات تو و انقلاب جهانی ات -  
به آن سوی سرزمین پهناورت ،  
پیروزمندانه قافله بست  
که آگاهان « معجزه بشریت » خوانندش .

\* \* \*

و تو که از برای تکامل انقلابت  
در تداوم ابعاد جنگ فرساینده و طولانی ،  
در زیر آتش دشمنان رنگارنگ  
" راه پیمائی طولانی "  
- این کار و پیکار و شهکار بی نظیر بشریت - را  
با شکیبائی و شهامت به پیروزی رساندی  
و رمز و راز « تداوم انقلاب تحت دیکتاتوری پرولتاریا » را گشودی  
کنون بر خیز که زمان ، زمان خیزش توست  
و مکان - این کره ارض -  
که با هزاران هزار زخم ناسورش  
بین که می رود به سوی نیستی  
از دست غارتگرانی که در پی تسخیر جهانند ؛  
از دست انفجار هائی که در عمق عمق قلب زخمی اش  
آزموده بودند و می آزمایند ؛  
از دست ریزش افرازات موادکیمیایان پوسیده اندیشه  
که در ابحار و جویبارش ریخته بودند و می ریزند ؛  
از دست دود قیر گونی که از کوره های نیرو سوز رنجبران جهان  
بر فضای معطر و خوشگوارش پاشیده بودند و می پاشند ؛  
از دست زباله هائی زهر آگینی که  
به گودالهای خونین روی سینه غرقه به خونش

انباشته بودند و می انبارند ؛  
 ازدست برمه ها و اره های هزاران هزار دندانش  
 که بر پیکر درختان بارورش،  
 کشیده بودند و می کشند ؛  
 بنگر که چه سان می رود به سوی نیستی .  
 کارگر !

راه نجاتش ، و راه تداوم حیاتش  
 - حیات زمین زیبای ما -  
 در گرو نبرد هستی ساز توست  
 \*\*\*

ای کارگر!  
 ای " معنی آدم " که " راحت اعیان ثمر رنج توست "  
 ای " باعث آبادی عالم "  
 که " دولت " انحصارگران جهان " اثر گنج توست " . (\*)  
 برخیز، به پاشو!

یورش ببر ، بر دژ جنگ افروزان خون آشام  
 " باید از ریشه بر انداز " ی  
 " کهنه جهان جور " و بند  
 " و آنگه ، نوین جهانی ساز " ی  
 که " هیچ بودگان هرچه گردند "  
 " روز قطعی جدال است "  
 " آخرین رزم " تو  
 " انترناسیونال است "  
 " نجات انسانها " (\*\* )

نجات انسان و حیوان و زمین و زمان  
 به دست توست ای کارگر !  
 خروشان شو ، موج و طوفانزا شو  
 بکوب بر هر سنگ و هر صخره  
 جمجمه جنبنده پر خدعه و نیرنگ و حيله

جمجمهٔ جنگ افروزان " نظم نوین "  
و هم مزدوران گوش به فرمانشان ،  
که در هر کجا ، به اغفال خلق های در بند جهان مشغولند .

\* \* \* \* \*

---

(\*) اشعاربین گیمه از زنده یاد لاهوتی است .  
(\*\*) سرود انترناسیونال از کارگرمبارز کمون پاریس ( اوژین پوتیه ) در گیمه می باشد.